

محاكمه مارشال پتن

«بیش از بیست سال از محاکمه مارشال پتن فاتح نبرد «وردن» و رئیس سابق حکومت ویشی میگذرد ولی هنوز مطبوعات جهان راجع بان محاکمه تاریخی بحث مینمایند. اخیراً «مجله» آئینه تاریخ ۱ «چاپ پاریس مقاله مفصلی بقلم فیلیپ بوردرل ۴ درباره این دادرسی منتشر نموده است که ترجمه قسمتهای اساسی آن از نظر خوانندگان میگذرد.»

هانری فیلیپ بنواپتن مارشال سابق فرانسه در سن ۸۹ سالگی با اتهام توطئه بر علیه امنیت داخلی و سازش با دشمن خارجی ، در ساعت يك بعد از ظهر روز ۲۳ ژوئیه ۱۹۴۵ در دادگاه عالی دادگستری تحت محاکمه قرار گرفت .

موقعیکه مارشال پتن از وسط دو ردیف مستحفظ وارد تالار دادگاه گردید ، تمام حضار از جای خود بلند شدند . عده ای از آنها برای ادای احترام بمارشال وعده ای دیگر ایستادند .

مارشال که در جلوی او يك نفر مستحفظ و در عقب وی وکلای مدافعش حرکت میگردند ، در حالی که لباس نظامی خاکستری رنگی بتن داشت و فقط يك قطعه نشان نظامی بسینه اش آویخته بود و در يك دست دستکشهای سفید و در دست دیگر کلاه نظامی زردوزی خود را گرفته بود با قدمهای مطمئنی وارد تالار دادگاه گردید . صورت او صاف و بدون چروك و رنگ رخسارش گلگون بود . بطور کلی قیافه اش آرام بنظر میرسید ولی افرادی که چند لحظه قبل او را دیده بودند ، بعدها اظهار داشتند که مارشال برای غلبه بر اضطراب و حفظ خون سردی خود کوشش

زهادی بخرج داده و از مدتها قبل خود را برای این لحظه دردناك آماده مساخته است .
 مارشال درحاليكه عكسبرداران بطرف او هجوم میآوردند، روی صندلی دسته داريكه
 درست راست و كلای مدافعتش باو اختصاص داده بود ، نشست . بعضی از مخالفین مارشال،
 اختصاص دادن يك صندلی راحتی به متهم را برخلاف مقررات میدانستند .

درطول مدافعات كه ۱۷ جلسه بطول انجامید ، فیلیپ پتن درحاليكه دست چپش
 را روی كمر بندش نهاده و دست راستش را روی دسته صندلی یا پشت گوشش برای اينكه بهتر
 بشنود گذاشته بود ، آرام و ساكت نشسته بود و این سكوت را جز با قرائت دو اعلامیه
 مختصر يکی درآغاز و ديگری درپایان جلسات و دادن چند تذکر کوتاه درحین مذاكرات،
 نشكست . جمعیت زیادی درجلسه حضور یافته بودند . تماشاچیان روی نیمکت های چوبی
 كه برای آنها تهیه شده بود ، قرار گرفته بودند . يك نوع هیجانی درمحیط دادگاه احساس
 میگردد . همه بروزشنج و حتی زدو خورد را پیش بینی میکردند زیرا معلوم بود كه تماشاچیان
 بدو گروه تقریباً مساوی تقسیم شده بودند كه يك گروه از طرفداران متعصب پتن و گروه ديگر
 از مخالفین سرسخت او تشكيل یافته بود . عده ای از مردم برای تماشای جریان محاكمه
 پشت بام كليسای «سنت شاپل» را كه مشرف بسالین دادگاه بود، اشغال نموده بودند. خیرنگاران
 بطور فشرده دور میزها ئيكه نزدیک متهم و وکلای مدافع او قرار داشت ، نشسته بودند . از
 تاریخی كه مارشال پتن رسماً از سمت ریاست دولت ویشی كناره گیری کرده بود ، تا این تاریخ
 یعنی روز ۲۳ ژویه كه محاكمه او آغاز میگردد ، تقریباً يكسال گذشته بود .

وی روز ۲۰ اوت ۱۹۴۴ بوسیله آلمانیها درهتل پاركویشی دستگیر و بشهر بلفور
 و از آنجا بكاخ مورویلا ۴ منتقل گردیده و در آنجا تحت نظر قرار گرفته بود و در ۸ سپتامبر
 همچنان تحت حفاظت آلمانیها وارد شهرسیگمارینگن ۳ گردیده و در كاخ هوهن زولرن ۴
 اقامت گزیده بود . پتن در آنجا خود را كاملاً از فعالیتهای آخرین دسته طرفدار همكاری با
 آلمان كه سعی میکردند از نام او استفاده نمایند بركنار نگاه داشته بود و در اقدامات آنها
 مداخله نمیكرد و در تظاهرات دسته جات چريك كه در آلمان بر گذار میشد شركت نمی جست .
 موقعيكه در اوایل ماه آوریل ۱۹۴۵ ، مارشال پتن اطلاع یافت كه دادگاه عالی داد گستری
 كه بدستور ژنرال دوگل تشكيل گردیده بود ، در نظر دارد غیباً او را محاكمه كند، فوری
 نامه ای به هیلتر نوشت و تقاضا كرد كه با مراجعت وی بفرانسه موافقت كند . هیلتر پاسخی بنامه
 او نداد ولی مأمورین آلمانی كه حفاظت او را بعهده داشتند ، موافقت نمودند كه راجع باین
 موضوع با دولت سوئیس مذاكره كنند .

مراجعت بفرانسه

روز ۲۳ آوریل شورای فدرال دولت سوئیس پس از شور، اعلام داشت که موافق است مرز کشور خود را برای عبور مارشال پتن و همراهان او باز بگذارد. مارشال پتن برای اینکه از خطر بمباران هوایی مصون بماند، شبانه حرکت کرد و روز بعد یعنی ۲۴ آوریل وارد «سنت مارگریت» شهر مرزی سوئیس گردید و در آنجا اظهار داشت «من امروز وارد هشتاد و نهمین سال عمر خود میگردم. ورود من بسویس بزرگترین هدیه‌ای است که ممکن بود برای سالروز تولد بمن اعطاء گردد.»

روز قبل در پاریس سفیر سوئیس در فرانسه با ژنرال دوگل ملاقات کرده و با او گفته بود «شورای فدرال کشور من تصمیم گرفته است که مارشال پتن را بخواک خود بپذیرد و بمن مأموریت داده است مراتب را با اطلاع شما برسانم.»

ژنرال دوگل پاسخ داده بود «بسیار خوب ولی اطمینان داشته باشید که ما عجله‌ای نداریم که او را بفرانسه مسترد نمائیم». چند ساعت بعد مجدداً سفیر سوئیس با ژنرال دوگل تماس گرفته اظهار داشته بود «مارشال پتن تقاضا نموده است که بفرانسه مراجعت کند. دولت من ناچار است به تقاضای او ترتیب اثر بدهد. بنابراین ما او را بمرز فرانسه خواهیم رسانید، دیگر کار از کار گذشته بود و پتن بفرانسه مراجعت میکرد. دوگل از این قضیه ناراضی بود و این عدم رضایت را از نزدیکان خود پنهان نکرد و حتی آن را در کتاب «خاطرات جنگ» خود منعکس ساخت.

روز ۲۶ آوریل هیئتی بریاست سرلشکر «کونیگ» ۱ در «وارلوب» ۲ مارشال و همراهان او را تحویل گرفت. موقعیکه پتن با «کونیک» روبرو شد، از فشردن دست او خودداری کرد. این دونفر باتفاق تعدادی مستحفظ با قطار مخصوص عازم پاریس گردیدند. بازجویی از پتن شروع شد. در آغاز مارشال مانند کسی که غافلگیر شده باشد، خود را باخت ولی بتدریج خونسردی خویش را بدست آورد. وی هوش و حواس خود را کاملاً حفظ کرده بود ولی گاهی دچار فراموشی میگردد و حوادثی را که اخیراً برایش رخ داده بود بیاکدیگر اشتباه میکرد. محاکمه مارشال با رعایت نهایت احتیاط شروع شد. اعضای هیئت منصفه که بوسیله نامه‌های بدون امضاء مورد تهدید قرار گرفته بودند، بدون همراهی افراد پلیس حرکت نمیکردند. در طول محاکمات، مأمورین پلیس آنها را از منازلشان بداد گناه میرساندند. غذاهای آنها از بیم آنکه مبدا آلوده بسم شده باشد، تحت کنترل دقیق قرار میگرفت. حتی با آنها توصیه شده بود که در طی جلسات اسلحه با خود همراه داشته باشند.

نامه‌های پیشماری از اطراف نه تنها برای اعضای هیئت منصفه بلکه برای مارشال پتن و وکلای مدافعش میرسید . سر بازان قدیمی که تحت فرماندهی پتن در نبرد «وردن» جنگیده بودند ، در نامه‌های خود تهرئه فرمانده سابق خود را تقاضا میکردند و از طرف دیگر افراد نهضت مقاومت ملی درخواست اعدام او را داشتند . وکلای مدافع پتن نیز تحت فشار موافقین مارشال قرار گرفته و با آنها اخطار شده بود که هر گاه وظیفه دفاع از متهم را بخوبی انجام ندهد ، به مجازات خواهند رسید .

نامه‌هاییکه بعنوان مارشال نوشته میشد حاوی نظریات متضاد بود . بعضی از آنها مملو از دشنام و ناسزا بمارشال و بعضی دیگر بعکس حاکی از ابراز وفاداری بوی بود . بیشتر این نامه‌ها از نظر مارشال پنهان نگاه داشته میشد .

در موقع انتخاب هیئت منصفه که مرکب از ۲۴ نفر بودند ، محیط دادگاه دچار تشنج شدیدی گردید . ۱۲ نفر از اعضای هیئت منصفه از بین نمایندگان مجلس شورای ملی و ۱۲ نفر دیگر از بین افراد نهضت مقاومت ملی انتخاب شدند . «گابریل دولاتر» که بسمت رئیس گروه پارلمانی هیئت منصفه انتخاب گردیده بود ، از وکلای مدافع پتن تقاضا کرد که نسبت بان انتخاب او اعتراض کنند و گفت «من حاضر نیستم درباره مارشال پتن قضاوت نمایم»

دادگاه عالی

دادگاه عالی گذشته از ۲۴ نفر اعضای هیئت منصفه ، از سه نفر قاضی تشکیل یافته بود . ریاست دادگاه بعهده «مونژیبو» ۲ رئیس دیوان فرانسه محول گردیده بود . وظیفه دادستانی را «مورنه» ۳ دادستان کل که پس از بازنشسته شدن ، مجدداً برای انجام این وظیفه بخدمت دعوت گردیده بود ، بعهده داشت . وی مرد سالخورده ولی زیرک و حرافی بود که در طی دوره طولانی خدمت خود ، در محاکمات مهمی از قبیل دادرسی «ماتاهاری» جاسوس بین المللی جنگ اول و محاکمه «کابو» یکی از نخست وزیران جمهوری سوم فرانسه ، بعنوان دادستان شرکت و کسب شهرت نموده بود و بگفته خودش میخواست بوسیله شرکت در محاکمه پتن برای آخرین بار افتخار دیگری بدست آورد .

سه نفر وکیل دادگستری یعنی «پاین» ۴ - ایزورنی ۵ و «لمر» ۶ وظیفه دفاع از متهم را بعهده گرفته بودند . «پاین» اولین وکیلی بود که برای پتن انتخاب شده بود . وی در آن تاریخ ۷۳ سال داشت و تا آن زمان جز در امور حقوقی قبول وکالت نکرده بود . مارشال از انتخاب او زیاد راضی نبود و بهمین جهت وکیل دیگری بنام «ایزورنی» را انتخاب کرد و

- 1 - Gabriel Delattre 2 - Mongibeaux
3 - Mornet 4 - Payen 5 - Isorni
6 - Lemaire

بالاخره بنا به تقاضای «پاین» وکیل سومی بنام «لمر» برای کمک بدو وکیل دیگر انتخاب شد. در آغاز امر بین «پاین» که مرد مسنی بود و همکارش «ایزورنی» که نصف سن او را داشت درباره نحوه کلی مدافعات اختلاف نظر بروز نمود. «پاین» معتقد بود که برای تبرئه مارشال پتن باید استناد بسالخوردگی او شود و استدلال گردد که کلیه اقدامات خلاف رویه مارشال ناشی از کهولت وی بوده است تا بتوان بدین طریق حس ترحم و ارفاق قضات را نسبت به متهم جلب کرد. ایزورنی بعکس معتقد بود که مدافعات باید بر مبنای بیگناهی متهم صورت گیرد. خود مارشال پتن با این نظر اخیر موافق بود.

روش مطبوعات، انجام وظیفه و کلای مدافع مارشال را دشوارتر ساخته بود. مدیران جرائد آن زمان که بیشتر وابسته به نهضت نجات فرانسه بودند، نسبت به متهم نظر موافقی نداشتند. روزنامه «فران تیرور» در روز شروع محاكمه مارشال عنوان زیر را برای مقاله خود انتخاب نمود: «پتن، خائن شماره يك فرانسه در دادگاه عالی تحت محاكمه قرار میگیرد». روزنامه «اومانیه» ارگان حزب کمونیست نوشت: «پتن بدنام کننده فرزندان ما است».

بمروریکه جریان محاكمه پیش میرفت، عناوین موهن دیگری از قبیل «پیرمرد شوم» «سردسته خائنین» و امثال آن بر علیه پتن در جرائد دستچپ منتشر میشد. باید در نظر داشت که در آن موقع فرانسه دوره تصفیه شدیدی را آغاز نموده بود و مردم هنوز تحت تأثیر خاطرات مشقات و مصائب ناشی از اشغال آلمانها قرار داشتند و در همان موقع شاهد قیافه های شکنج دیده و رنجور فرانسویانیکه از بازداشتگاه های آلمان مراجعت میکردند بودند. وکلای پتن دفاع خود را با اعتراض بطرز تشکیلی دادگاه آغاز نموده و خاطر نشان ساختند که اصول و مقررات دادرسی رعایت نگردیده و بازجوئی کامل بعمل نیامده است و بسیاری از اسناد در اختیار وکلای مدافع متهم گذاشته نشده است و قبل از آنکه از گواهان اصلی بازجوئی شود، تصمیم به تشکیلی دادگاه گرفته شده است. در این صورت این سؤال پیش می آید که آیا این جلسات برای دادرسی تشکیلی گردیده یا برای اجرای حکم محکومیت.

سپس وکلای مدافع نسبت بصلاحيات قضات محکمه اعتراض نموده و خاطر نشان ساختند که این قضات همان افرادی هستند که در دوره زمامداری مارشال پتن نسبت با وسوگند و فساداری یاد کرده بودند و قوانینی را که امروز اجرای آن را خیانت میدانند، در آن موقع بمورد اجراء گذارده بودند. آنگاه وکلای پتن اعلامیه ای را که قضات قبل از تشکیلی دادگاه در اختیار جرائد گذاشته بودند، قرائت کرده و نتیجه گرفتند که طبق مفاد این اعلامیه، قضات قبل از محاكمه مارشال پتن او را محکوم میدانسته اند.

بنابراین نمیتوان چنین قضاتی را بیطرف دانست. در این موقع جلسه بطوری دچار تشنج گردید که رئیس دادگاه بناچار دستور داد که تماشاچیان از جلسه خارج شوند.

شهادت گواهان

استماع شهادت گواهان مخالف پتن آغاز گردید. اولین شاهدیکه علیه پتن شهادت داد «پلرینو» نخست وزیر سال ۱۹۴۰ فرانسه بود. وی با آنکه ۶۶ سال از سنش میگذشت چست وچالاک بنظر میرسید و برای اینکه کوتاهی قدش را جبران کند در حین صحبت دستهایش را بکمر زده بود.

سخنانیکه این شاهد بر علیه پتن بیان نمود بمراتب شدیدتر از مطالبی بود که بعداً خود دادستان ایراد کرد.

وی گفت «هرگز ملتی با اندازه ای که ملت فرانسه از پتن فریب خورده، گول کسی را نخورده است و هیچگاه کسی با اندازه ایکه پتن بملت فرانسه لطمه زده است بملتی صدمه نرسانیده است.

«پلرینو» که خود اولین کسی بود که در ماه مه سال ۱۹۴۰ از مارشال پتن دعوت بقبول زمامداری کرده بود، اکنون در دادگاه برای توجیه عمل خود اظهار داشت «علت آنکه من به پتن متوسل شدم آن بود که منمهمانند بسیاری از افراد دیگر تحت تأثیر گذشته افسانه مانند اوقرار گرفته بودم «پلرینو» در ماه مه ۱۹۴۰ موقعیکه وضع فرانسه رو بوخامت گذارده بود، ژنرال «ویگان» را بفرماندهی کل قوا انتخاب نموده بود. حال در محیط دادگاه اظهار داشت که این عمل هم اشتباه بزرگی بوده است زیرا ویگان که همدست مارشال پتن بود، از تاریخی که بفرماندهی ارتش منصوب گردید فقط يك هدف را تعقیب میکرد و آن امضاء قرارداد صلح با آلمان بود.

و کلاً، پتن به «پلرینو» خاطر نشان ساختند که او که اکنون بر علیه مارشال شهادت میدهد در دوره زمامداری پتن سفارت دولت ویشی در واشنگتن را پذیرفته بود.

پس از پلرینو، شهود مخالف دیگر پتن از «دلادیه» گرفته تا «هریو» که از رجال برجسته جمهوری سوم فرانسه بودند، یکی پس از دیگری برای شهادت در جایگاه گواهان قرار گرفتند. بیشتر این افراد که دوره خدمات در خشان گذشته پتن از خاطر ایشان محو نشده بود، بالحن نسبتاً معتدلی درباره متهم اظهار نظر نمودند. عده ای از آنها شرایط نامساعدی را که تحت آن مارشال در ۱۰ ژویه ۱۹۴۰ از طرف مجلس ملی بزمآمداری برگزیده شده بود علت اصلی تخلفات وی قلمداد نمودند. بعضی از شهود دیگر منجمله «مارسل پل» عضو حزب کمونیست که تازه از بازداشتگاه «بوخن والد» آزاد شده بود، در بیانات خود بشریح مصائب و مشقاتیکه خود یا دوستانشان در دوره اشغال کشور بوسیله دشمن، متحمل شده بودند، پرداختند.

گواهی شهود علیه پتن هشت روز بطول انجامید . بیشتر اتهامات در اطراف مسئله امضای قرارداد صلح با آلمان دورمیزد . ولی بعداً دادستان اظهار داشت که قرارداد صلح اتهام اصلی بشمار نمی رود .

در خلال این احوال جرائد از اینکه نقش مارشال در دوره اشغال فرانسه بوسیله آلمان ، در دادگاه مطرح نشده است اظهار تعجب و تأسف مینمودند . روزنامه فیگارو نوشت که مردم از نحوه جریان مذاکرات دادگاه دچار یأس و نگرانی شده اند . فقط روزنامه کمپا که تحت نظر « کامو » اداره میشد برای مارشال تقاضای صدور رای ارفاق آمیز نمود .

استماع شهودله مارشال با شهادت ژنرال ویگان آغاز گردید . فرمانده ارتش فرانسه در دوره زمامداری پتن در این زمان در حال بازداشت بسر میبرد ولی بعدها پس از محاکمه تبرئه گردید .

ژنرال ویگان که در این موقع ۷۸ سال داشت همینکه وارد تالار دادگاه گردید ، نسبت به مارشال پتن ادای احترام نمود و با کمک عصا خود را بجایگاه گواهان رسانید . گونه هایش فرورفته و استخوانهای صورتش برآمده بود ولی این سوارکار قدیمی چابکی خود را حفظ کرده بود . بوی پیشنهادش که در حین صحبت روی صندلی بنشیند ولی این سرباز قدیمی که روزی رئیس ستاد مارشال فوش بود ، این پیشنهاد را رد کرد و مدت چندین ساعت ایستاده در حالیکه بندرت بیادداشتهای خود مراجعه میکرد صحبت کرد .

حاضرین در دادگاه با بی صبری منتظر شنیدن بیانات ویگان بودند و پیش بینی میکردند که بین فرمانده سابق ارتش فرانسه و « پلرینو » مجادلات سختی در خواهد گرفت . این پیش بینی به تحقق پیوست گوا اینکه لحن گفتگوی این دو حریف مؤدبانه بود . ولی رعایت نزاکت در گفتار نتوانست خشونت طرفین را پنهان سازد .

ویگان ضمن اشاره به پول رینو گفت « شانه های ضعیف او توانائی تحمل مسئولیتی که از روی بی احتیاطی بوی سپرده شده بود نداشت » سپس ویگان اضافه نمود « گفته شده است که من بهر قیمتی خواهان امضای قرارداد صلح بوده ام ولی اولین کسی که راجع بصلح صحبت کرد « آلبر لوبرن » بود . من در آن موقع در میدان جنگ مشغول نبرد بودم و بهیچوجه بصلح فکر نمی کردم . گفته شده است که پلرینو بدلائل قانع کننده ای نسبت به مارشال پتن سوءظن پیدا کرده بوده است . در این صورت بچه علت پس از آنکه مارشال پتن را بکمک خود طلبید ، با علم باینکه وی خواهان امضای قرارداد صلح بود او را بعنوان جانشین رئیس جمهور « لوبرن » پیشنهاد نمود . گفته شده است که قبل از هر چیز میبایستی شرافت و حیثیت فرانسه را حفظ مینمودیم و این امر با امضای قرارداد صلح مغایرت داشته است ولی باید دانست که هدف از امضای قرارداد صلح متارکه جنگ و مصون نگاه داشتن قسمتی از خاک فرانسه از اشغال دشمن و بقای دولت و ارتش فرانسه بوده است . طبق یکی از شرائط صلح توافق شده بود که مستعمرات افریقائی فرانسه

تحت حکومت پتن اداره شود. آلمانیها بعداً از اینکه چنین شرطی را پذیرفته بودند پشیمان شدند و به پتن فشار آوردند که در مستمرات افریقائی فرانسه پایگاههایی بآلمان واگذار کند ولی پتن باین فشارها ترتیب اثر نداد.

تعداد شهودیکه علیه پتن صحبت کرده بودند ۱۷ نفر و شماره گواهانیکه له او شهادت دادند ۴۶ نفر بود که ۱۸ نفر آنها از بین امرای ارتش و نیروی دریائی انتخاب گردیده بودند. در نتیجه اغلب اوقات، جلسات دادگاه بصورت کلاس درس تاریخ نظامی درمی آمد.

بهر حال از مجموع بیانات این شهود بتدریج روش و سیمای مارشال پتن در دوره دردناک زمامداریش روشن میگردد. تقریباً کلیه این گواهان متفق القول بودند که انگیزه اصلی پتن از اقداماتی که بعمل آورده آن بوده است که با فداکاری کامل و بهر قیمتی که برای او تمام شود، موجبات تخفیف مصائب و مشقات ملت فرانسه را فراهم سازد.

اول ماه اوت پیش آمد غیر مترقبه ای روی داد (پیرلاوال) با هواپیما وارد فرودگاه «پورژه» گردید. فرانکو رئیس دولت اسپانی مهمان مزاحم خود را بفرانسه عودت داده بود. یک هواپیما او را از بارسلون، به اینسبروک آورده بود و از آنجا مقامات نظامی فرانسه وی را با اتفاق همسرش به پاریس منتقل نموده بودند. لاوال تصمیم گرفته بود که با سرسختی هر چه تمام تر در موقع محاکمه از خود دفاع کند. وی به محض ورود به پاریس در مجلس «فرسن» زندانی گردیده بود.

همینکه مارشال پتن از ورود لاوال به پاریس اطلاع حاصل کرد، دچار نگرانی شد و پرسید که آیا او را با وی مواجه خواهند داد. وکلای مدافع مارشال نیز که انتظار ورود «لاوال» را نداشتند به جنب و جوش افتادند.

بالاخره دادگاه عالی تصمیم گرفت که روز سوم اوت لاوال را بعنوان شاهد احضار کند آن روز تالار دادگاه مملو از تماشاچی گردیده بود. لاوال با شانه های خمیده و موهای سفید در حالی که لباس کهنه ای پوشیده و کراوات سفید چروک خورده ای بگردن بسته بود و کیف دستی کوچکی را در انگشتان استخوانی خود میفشرد، وارد تالار دادگاه گردید. او خود را تنها احساس میکرد و با طراف نظر میافکند تا مگر بتواند در میان جمعیت نگاهی را که از سایر نگاهها کمتر خصومت آمیز و ملامت گر باشد بیا بدولی این تجسس بیهوده بود. چند لحظه بعد موقعیکه وی در حین صحبت از فرط تشنگی تقاضای یک لیوان آب خوردن نمود با اینکه چندین بار درخواست خود را تکرار کرد، «مونژیو» رئیس محکمه تقاضای او را نشنیده گرفته و بان توجهی ننمود تا اینکه بالاخره یکی از مخبرین جرائد از روی ترحم لیوانی آب باو داد.

اگر در موقع ورود لاوال بتالار دادگاه، مستحفظین راه را برای عبور او باز

نمیکردند، قطعاً وی نمیتوانست خود را بجایگاه شهود برساند. عکاسان و فیلم برداران در حالی که بیکدیگر تنه میزدند بطرف لاوال هجوم آورده و از نزدیک از او عکس برداری مینمودند.

لاوال خطاب به رئیس جلسه گفت «آقای رئیس دستگاہهای فیلم برداری مرا ناراحت میکنند» مارشال پتن با دقت به بیانات مفصل لاوال گوش میداد و کوچکترین حرکت او را از نظر دور نمیداشت.

بیانات لاوال دو روز بطول انجامید و کوشش رئیس دادگاه برای جلوگیری از اینکه وی از موضوع خارج نشود بیهوده بود. در حقیقت هدایت جریان مذاکرات از اختیار رئیس محکمه خارج و بدست لاوال افتاده بود. وی که با ترس و نگرانی وارد جلسه دادگاه شده بود، اکنون بر خود تسلط کامل یافته بود و مثل اینکه هنوز با سمت نخست وزیر در پشت تریبون مجلس صحبت میکند، سخن میراند. لاوال که مرد زیرک و کهنه کاری بود، در بیانات خود سعی میکرد ثابت کند که سیاست او منطبق با سیاست مارشال پتن بود. وی بکرات اظهار داشت: سیاست من همان سیاست مارشال پتن بود و ما با هم توافق کامل داشتیم و حتی در بعضی از موارد روش من معتدل تر از روش او بود.

لاوال درباره پتن بالحن احترام آمیز آمیخته بترحم صحبت کرد و گفت «زمانیکه ما بفرمانده لایقی مانند «لیوتی» احتیاج داشتیم کس دیگری را غیر از پتن پیدا نکردیم موقعیکه لاوال پس از خاتمه بیانات خود، از مقابل پتن گذشت، نگاه او را جستجو کرد و گفت «مارشال بامید دیدار» ولی مارشال پتن که نگاه خود را بسوی دیگر دوخته بود، مثل اینکه اصلاً صدای او را شنیده است بوی اعتنائی ننمود.

دوماه بعد لاوال به نوبه خود بوسیله دادگاه عالی محاکمه و محکوم باعدام گردید و در تاریخ ۱۵ اکتبر تیر باران شد.

دونفر شاهد دیگر بنام «برینون» ۱ و «دارنان» ۲ که آنها نیز بعدها محکوم باعدام گردیده ولی مجازات آنها معلق ماند، در محاکمه پتن بعنوان شاهد شرکت نمودند. آنها نیز مانند لاوال سعی کردند با ثبات برسانند که هیچگونه عملی را بدون موافقت مارشال انجام نداده اند.

قراآت کیفرخواست و مدافعات و کلا

روز ۱۱ اوت موقع قراآت کیفرخواست فرارسید. در همین روز جهانیان اطلاع یافتند که جنگ در منطقه اوقیانوس آرام خاتمه پیدا کرده و دولت ژاپن در نتیجه انفجار بمبهای اتمی در هیروشیما و ناگازاکی حاضر به تسلیم گردیده است.

داستان «مورنه» کیفرخواست خود را بر علیه پتن با جمله زیر خاتمه داد: «با از بین بردن شرافت و حیثیت فرانسه نزدیک بود این کشور را نابود کنند. من با توجه کامل بوظیفه ای که بعهده دارم از دادگاه عالی تقاضا دارم که بر علیه شخصی که قبلاً مارشال پتن بود، حکم مجازات

اعدام صادر نماید.»

روز بعد که یکشنبه و تعطیل بود، هیئت منصفه برای غور در مطالب کیفرخواست دادستان و تجدید قوا جهت استماع مدافعات وکلای متهم، فرصت مناسبی بدست آوردند. مدافعات وکلای پتن ۱۲ ساعت بطول انجامید و وقت جلسات روز دوشنبه ۱۳ و سه شنبه ۱۴ مه را اشغال کرد.

وکلای متهم هر يك بسبب خاص خود از موکل خویش بدفاع پرداختند. طرز مدافعات «پاین» خودمانی، بی تکلف و در عین حال مستدل بود. «لمر» بعکس بالحنی شدید و پر حرارت بدفاع پرداخت و ضمن بیانات خود دادستان را مورد حمله قرار داد. ولی وظیفه «ایزورنی» که دفاع از سیاست داخلی پتن در دوره حکومت ویشی را به عهده داشت، از همه مشکل تر بود. وی گفت «سیاست مارشال عبارت بود از حفظ و کسب مزایای حقیقی در مقابل دادن بعضی مزایای صوری» ایزورنی افزود «مارشال پتن و نهضت مقاومت هر دو یک هدف را منتهی از طرق متفاوت تعقیب می کردند و آن هدف حفظ منافع فرانسه بود. من باب مثال تقاضای آلمان مبنی با اعزام افراد فرانسوی بآلمان جهت انجام کار اجباری را میتوان ذکر کرد. برای این موضوع دوره حل وجود داشت. یکی رد کردن تقاضای آلمان با خشونت که در این صورت ممکن بود آلمانیها بنحویکه صلاح میدانستند نظر خود را اعمال کنند.

راه حل دوم عبارت بود از پذیرفتن تقاضای آلمان بصورت ظاهر و کوشش در جلوگیری از اجرای آن و این همان راه حلی بود که مارشال پتن انتخاب کرد. آلمانیها تقاضا کرده بودند که در مدت دو سال دو میلیون نفر فرانسوی برای کار اجباری بآلمان اعزام گردد ولی عملاً در این مدت فقط ۶۴۰٫۰۰۰ نفر کارگر فرانسوی رهسپار آلمان شدند. در بلژیک که حکومت قانونی وجود نداشت ۰٫۸۰٪ از کارگران بلژیکی بآلمان اعزام گردیدند، در صورتیکه در فرانسه فقط ۰٫۱۶٪ از کارگران بآلمان گسیل شدند. درباره طرز رفتار مارشال با یهودیان، وکیل مدافع پتن گفت نهایت بی انصافی است که تصمیمات تیرا که بوسیله آلمانیها اتخاذ شده بود با تصمیماتیکه پتن گرفته بود یکی بدانیم. «ایزورنی» خطاب به یهودیان اظهار داشت «اگر قرار بود آن اوضاع بر گردد، آیا شما مایل بودید که یک منطقه آزادیکه بتوانید موقتاً در آنجا پناهگاه پیدا کنید وجود نداشته باشد؟ آیا بسر نوشت یهودیان لهستان اندیشیده اید؟»

درباره رابطه پتن با نهضت مقاومت ملی «ایزورنی» گفت «از آنجائیکه پتن یک سرباز است و دارای روحیه نظامی بود، بجای اینکه به نهضت مقاومت ملی متکی گردد، ترجیح داده بود که بارتش فرانسه در آفریقا نگاه کند.»

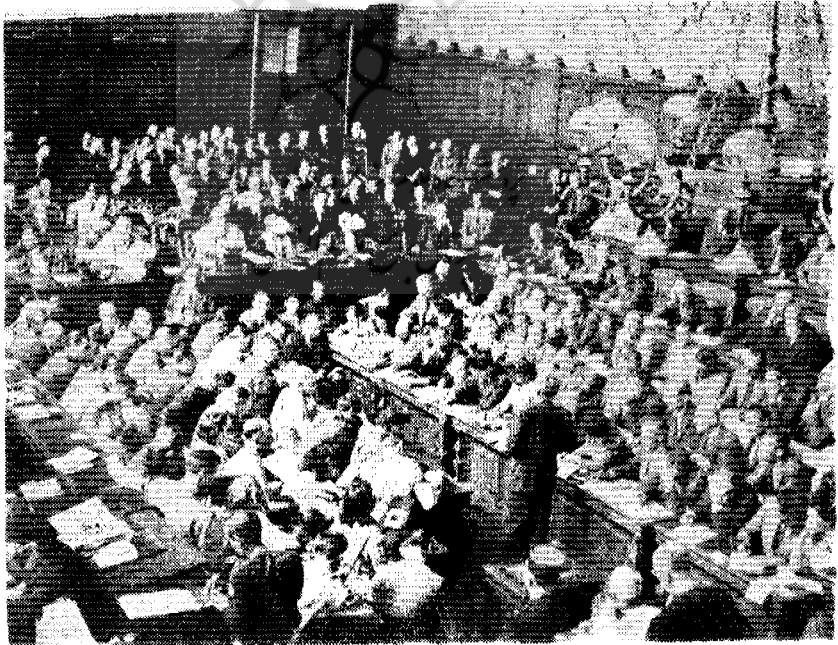
همینکه مدافعات پایان یافت: فریادهای «زننده باد فرانسه» از میان جمعیت تماشاچیان بلند شد. در این موقع رئیس دادگاه خطاب بمارشال پرسید «متهم آیا میخواهید مطلبی برای دفاع از خود ابراز دارید؟»

پتن پاسخ داد «آری مایلم صحبت کنم و آنگاه از جای خود بلند شد و ایستاده اعلامیه مختصری را که باجمله زیرخاتمه مییافت قرائت کرد .

«تنها هدف من این بود که طبق قولی که داده بودم درخاک فرانسه درکنار مردم فرانسه بمانم تا بتوانم از آنها حمایت کنم و از مشقاتشان بکاهم . هر اتفاقی که بیافتد ملت فرانسه این موضوع را فراموش نخواهد کرد زیرا میدانم که همانطوریکه از وردن دفاع نمودم ، از او نیز دفاع کردم.»

ساعت ۹ بعد از ظهر روز ۱۴ اوت ختم آخرین جلسه محا کمه پتن اعلام گردید . مارشال باطابقیکه جهت او در کاخ دادگستری آماده گردیده بود رفت و روی تختخواب بانتظار اعلام رأی دادگاه دراز کشید .

اعضای دادگاه برای شور از جلسه خارج شدند . قضات و اعضای هیئت منصفه از بیم آنکه مبادا کسی قصد مسموم کردن آنها را داشته باشد ، بصرف غذای سردیکه در شهربانی تهیه شده بود ، اکتفا کردند . ساعت چهار صبح صدای زنگ خبر داد که موقع اعلام رأی دادگاه فرارسیده است . مارشال و وکلای مدافع او در جاهای خود قرار گرفتند . قضات وارد سالن دادگاه شدند . سکوت سنگینی بر محیط دادگاه حکمفرما گردیده بود . فقط چند چراغ برق روشن بود . هاله کم نوری جایگاه قضات را احاطه کرده بود . بلندگوها که لحظه ای بعد رأی دادگاه را با اطلاع جهانیان میرسانید ، بپرق وصل گردیدند .



مارشال پتن در دادگاه

«مونژیو» رئیس محکمه ، رای دادگاه را که باین جمله ختم میشد قرائت کرد: «... بالاخره نظر باینکه مسلم گردیده است که متهم با آلمان سازش کرده است و با توجه بسایر دلائل دادگاه پتن را به مجازات اعدام و مصادره اموال و سلب حیثیت محکوم مینماید ولی نظر بکهولت متهم ، دادگاه عالی انتظار دارد که رأی صادره موقوف الاجراء بماند .» پتن که همچنان در جای خود نشسته بود ، در مقابل استماع رأی دادگاه عکس العملی از خود نشان نداد . از انتهای تالار فریادهای «زنده باد فرانسه» بگوش میرسید.

در این موقع رئیس دادگاه به مستحفظ دستور داد که محکوم را با خود بیرون ببرد . مارشال از جای خویش بلند شد و با تفاق و کلای مدافعی رهسپار زندان گردید . وی میدانست که با اعدام محکوم شده ولی جزئیات رای دادگاه را نشنیده بود . چندی بعد طی نامه ای از «پاین» وکیل خود پرسید «غیر از مرگ بچه چیز دیگر محکوم شده ام» . وی تا پایان عمر در نتیجه مراقبت اطرافیان ، پی نبرد که بسبب حیثیت نظامی نیز محکوم گردیده است .

اختیاریکه از جلسه سری دادگاه بخارج رسوخ کرد ، حاکی از آن بود که در موقع شور ، اختلاف نظر شدیدی بین اعضای دادگاه روی داده و حکم محکومیت با اعدام فقط با يك رأی اضافی یعنی ۱۴ رأی در مقابل ۱۳ رأی صادر گردیده است .

دو روز بعد یعنی روز ۱۷ اوت ، ژنرال دوگل با توجه بتوصیه دادگاه ، حکم اعدام پتن را تبدیل بحبس ابد نمود . محکوم را بدو به دژ پورتاله ۱ منتقل نمودند و در آنجا مدت سه ماه در يك سلول مرطوب زندانی بود تا اینکه در ۱۲ دسامبر به دژ «پیرلوه» ۲ واقع در جزیره «ایو» ۳ منتقل گردید . فقط در سال ۱۹۴۷ موافقت شد که همسرش باو ملحق گردد . مارشال پتن با متانت و بردباری تسلیم سرنوشت خود گردیده بود . وی در سال ۱۹۴۷ اظهار داشت «من هیچ تقاضائی ندارم و درخواستی راجع به بهبود وضع زندان خود نمیکم و مجازات را که برایم تعیین شده تا دم مرگ تحمل خواهم کرد» .

بالاخره روز ۲۳ ژویه ۱۹۵۱ مرگ بسراغ او رفت و وی را در ۹۵ سالگی از اسارت ورنج رهایی بخشید .

1 - Portalet

2 - Pirre - Levée

3 - L,ile d,yeu